

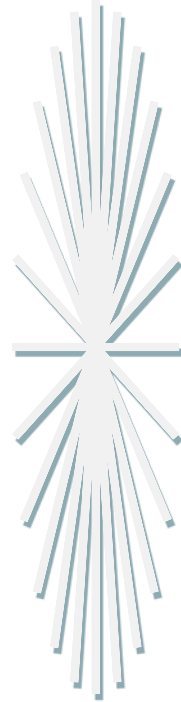
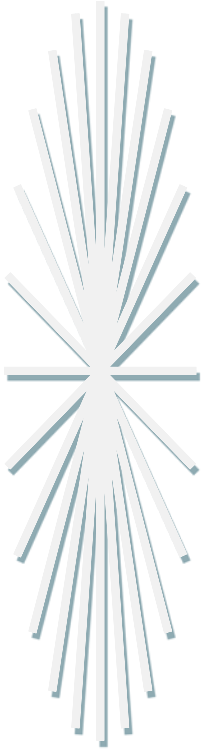


شرحی بر دعای خمس عشر

محقق: فاطمه پورشفیغ

تابستان ۹۵

تقدیم به روح مطہر معصومین علیہ السلام



مقدمه:

از بزرگترین نعمتهای خداوند بر بنده اش در خواست است ، تقاضا است ، خواستن است پس بنده وقتی از خداوند چیزی بخواهد، علل و اسباب رسیدن به این در خواست را باید آماده کرده باشد؛ که آن خود شناسی و خداشناسی است.

اعمال صالح ، ایمان ، تقوی ، درجاتی در دنیا دارند که لیاقت را برای انسان رقم می زند و این صفات گزینه های خوبی هستند برای رسیدن به مطلوب که آنها در خواست از خداوند است؛ ولی گاهی گناه ضعف اعتقادی را بوجود می آورد و براین اساس لیاقت وجودی کم شده و استجابیت دعا را طولانی می کند. هرچه استجابیت دعا طولانی شود و انسان به جواب در خواست خود نرسد تخفیف در گناهان حاصل می گردد که بزرگترین نعمت است؛ در این حین نتیجتاً انسان بخود می آید و متوجه اعمال خود می گردد و وزنه اعمال خود را می سنجید. آنچه مسلم است تکامل بشریت در کشف فلسفه آفرینش و پیاده کردن پیام دین در زندگی است.

امام صادق(ع) در تبیین جنود عقل و جهل می فرماید: " والدَّاعَا ضِدَّهُ الاستنکاف" دعا و ضد آن خود داری است(کافی ج ۱ ص ۲۳ح ۱۴)

دعا از جنود عقل است، عقل انسان را نیازمند مطلق می بیند و لذا او را به عبودیت کمال مطلق دعوت می نماید تا با عبادت و پرستش الهی به عنایت و رحمت الهی برسد، از این رو پیشوایان دین به دلیل بالاترین مراتب عقل و معرفت پیش از دیگران خود را نیازمند به خدا می دانستند پس به دعا اهتمام داشتند که دعای خمس عشر از آن جمله است، که در ابتداء حس عبودیت فرد نسبت به آفریدگار شکل گرفته و بتدریج رشد می یابد تا در مرحله زهد بهره گیری از رحمتهای الهی را به اوج خود برساند. در باره این دعا باید گفت: دعای خمس عشر پله مبارزاتی نفسانی در برابر قوای شهویه و بهیمی و غضبیه است که مسمای آن جهاد با نفس که همان جهاد مرکب است. دعای خمس عشر سیر آفاقی و انفسی بشر بسوی قرب الهی است.

دعای خمس عشر ، پانزده مناجات عرفانی ، اخلاقی ، رفتاری و گفتاری و آموزشی در جهت ارتقاء بشریت از امام سجاد (ع) است :

سند مناجات خمس عشر در کتابهای الصحيفة الثانية السجادية، بحار الانوار و مفاتيح الجنان آمده است. علامه مجلسی می گوید: «این مناجات را در برخی از کتابهای اصحاب دیدم که از امام سجاد (ع) روایت کرده اند؛ در حالی که ایشان نامی از آن کتابها نبرده و سند روایت را هم نقل نکرده است. شیخ حرّ عاملی نیز در «الصحيفة الثانية السجادية» این مناجات پانزده گانه را از دعاهای سجادیه دانسته و بدون هیچ تردیدی به امام سجاد (ع) نسبت داده است. روایت مناجات خمس عشر مرسل است، و مطالب و مفاهیم موجود در این مناجاتها با اصول و آموزه های قرآنی و دعاهای ماثور دیگر موافق است.

محمد تقی بن مقصود علی اصفهانی، (۱۰۰۳-۱۰۷۰ق) مشهور به مجلسی اول، پدر علامه مجلسی و از علمای شیعه در قرن یازدهم قمری. از وی آثاری چون روضة المتقین و لوامع صاحبقرانی برجای مانده است، مجلسی در اصفهان و نجف تحصیل کرد، وی در مسجد جامع اصفهان به تدریس علوم دینی مشغول بود و پس از استادانش شیخ بهائی و میر داماد، در این مسجد نماز جمعه اقامه می‌کرد.

محمد تقی مجلسی پدر علامه مجلسی - می‌گوید: «شایسته است که سالک الی الله مداومت بر خواندن مناجات خمس عشر داشته باشد» بعضی از شاگردان سید علی طباطبایی صاحب ریاض از قول وی نقل می‌کردند که ایشان دائما می‌گفت: من چندین سال است که بر قرائت این مناجات مداومت دارم و بر اثر قرائت این مناجات‌ها، خداوند بر قلب من انوار حکمت، معرفت و محبت را تابانده است به صورتی که قابل شمارش نیست و من این مناجات‌ها را در استجابت دعا تجربه نموده‌ام، و سالکان و عبادت کنندگان بر قرائت این مناجات مداومت می‌کنند. جالب اینکه این دعا از جمعه شروع می‌شود به ترتیب تا پانزده روز طول می‌کشد و در جمعه پانزدهم پایان می‌یابد. پس به امید خداوند در معنا دعای خمس عشر وارد می‌شویم:

- ۱- مناجات التائبین : آموزش توبه برای حفظ عزّت در دنیا
- ۲- مناجات الشاکین: آموزش رفع شبهات و شکایت از نفس اماره که راه توبه را بر انسان بسته.
- ۳- مناجات الخائفین : آموزش خوف از خداوند از بحرانهای رذائل عقیدتی و اخلاقی
- ۴- مناجات الراجین : آموزش امید در برابر خوف الهی، امیدی که پناهش جز خدا کسی دیگر نیست. امیدی که اگر هست باید با خوف همراه باشد.
- ۵- مناجات الراجین: آموزش رغبت به دین و بی رغبتی به دنیا. که رغبت به دنیا جزء عصیان و طغیان چیزی برای بشر به ارمغان نمی‌آورد.
- ۶- مناجات الشاکرین: آموزش شکر گذاری از خداوند سبحان.
- ۷- مناجات المطیعین: آموزش طاعت بندگی از نیّت تا عمل.
- ۸- مناجات المریدین: آموزش واقعی مرید و مراد که بیراه رفتن ، هلاکت ابدی دارد.
- ۹- مناجات المحبین: آموزش بندگی خالصانه در برابر خداوند.
- ۱۰- مناجات المتوسّلین : شناخت اسباب - وسیله قرب "کتاب الله و عترت" برای دوری از انحرافات
- ۱۱- مناجات المفتقرین : دواء و درمان و آموزش برای کسانی که نیاز روحی و جسمی دارند ولی نمی‌دانند.
- ۱۲- مناجات العارفين : آموزش و پاسخ به شبهات و مبارزه با عرفانهای کاذب نه زهد تنها.

۱۳- مناجات الذاکرین: آموزش ذکر و مفهوم آن.

۱۴- مناجات المعتصمین: آموزش سوار شدن بر کشتی نجات با ریسمان الهی

۱۵- مناجات الزاهدین: آموزش زهد و دوری از رهاییت .

فهرست مطالب مناجات چهارم:

حب الهی چیست؟

نکاتی چند در باره بیان حاجات.

آرزو چیست؟ برکات یاد خدا

نا امیدی و عوامل نا امیدی

آثار نا امیدی

درمان نا امیدی

گمراهان و ناامیدی

حبل الله- ریسمان الهی

اعتصام و رهایی از جنگ

رهایی از ذلت

وحدت

بهشت

آثار اعراض از یاد خدا

یاد خدا و فوائد آن

الرَّابِعَهُ: «مُنَاجَاتِ الرَّاجِيْنَ»



چهارم: مناجات امیدواران

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

چهارم: مناجات امیدواران

يَا مَنْ إِذَا سَأَلَهُ عَبْدٌ أَعْطَاهُ، وَإِذَا أَمَلَ مَا عِنْدَهُ بَلَغَهُ، مُنَاهُ،

ای که هرگاه بنده‌ای از او درخواست کند اعطا می‌کند و هرگاه چیزی را که نزد او است آرزو کند بدان آرزو میرساند او را

وَإِذَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ قَرَّبَهُ وَأَدْنَاهُ، وَإِذَا جَاهَرَهُ بِالْعِصْيَانِ سَتَرَ عَلَيْهِ ذَنْبَهُ وَعَطَّاهُ،

و هرگاه بنده به او رو آورد نزدیک و نزدیکتر به مقام قرب و نزدیکی خویشش ببرد

وَإِذَا جَاهَرَهُ بِالْعِصْيَانِ سَتَرَ عَلَىٰ ذَنْبِهِ وَغَطَّاهُ

و چون به آشکاری گناهش کند پرده بر گناهش کشد و آن را بپوشاند

، وَإِذَا تَوَكَّلَ عَلَيْهِ أَحْسَبَهُ وَكَفَّاهُ،

و چون بر او توکل کند کفایتش کند و کافی باشد

شرح این فراز:

غرائز انسانی – تمایلات انسانی ، متفاوتند و منشاء رفتار آدمی است. غرائز شامل همه گرایشات نفسانی و تمایلات مادی و جسمانی انسانی است و همین نیازمندی است که فطرت واقعی او را بیدار می کند و دست نیاز انسان را بسوی خدای یگانه بالا می برد.

• حبّ الهی چیست ؟

حبّ الهی در دل انسان صور گوناگونی دارد نخست به عنوان یک نیروی محرک نا آگاهانه که در عمق فطرت انسان و در درون نفس وی جای دارد هر چند خود انسان از وجود آن غافل است و توجه به آن ندارد. دوم؛ حبّ آگاهانه ای که برای افراد متعارف حاصل می شود و همه مؤمنین کم و بیش از آن برخوردارند. سوم؛ مرتبه کامله محبت الهی است که برای اولیای خدا و کسانی که معرفتشان درباره خدای متعال کامل شده و به اصطلاح عرفانی به مقام توحید رسیده اند، حاصل می شود.

همین محبت و معرفت ، خدا دوستی و یا خداشناسی فطری است که وی را بسوی یک مقصد نهائی متعالی می کشاند و در جوار رحمت حق قرار می دهد. هر چند که خود شخص از وجود این عامل نیرومند روانی و نفسانی غافل است. پس خداشناسی آثاری را در تعیین مقصد و رفع گرفتاریها بر انسان مترتب می سازد ولی پیوسته باید دانست که برای رسیدن به امیال و آرزوها تلاش بی وقفه داشت و توقعات بی جا و نیازهای کاذب را در در خواست خود از خداوند متعال قرار نداد.

نکاتی چند در باره بیان حاجات:

۱- ای انسان بدان که خداوند تعالی حاجات تو را در مدّت عمرت برآورده می کند.

۲- آنچنان از خداوند در خواست کن که در خواستت به صلاحیت باشد و غیر معقول نباشد.

۳- استجابت دعا بنا بر مصلحت و حکمت الهی است.

۴- اگر فاصله در خواست و استجابت دعا زیاد شد بخاطر این است که خداوند می خواهد تو به او نزدیک و نزدیکتر شوی- خوش دارد صدای تو را بشنود و اشکهای تو را ریزان ببیند .

۵- اگر حاجتی از خداوند تعالی داری بعد از حمد و ثنای الهی و طلب استغفار و توبه از درگاهش حاجت خود را بیان کن . بدان که او گناهان و عصیان تو را همیشه در همه وقت از دیگران پوشانده است.

۶- توکل بر خدا (قبول وکالت . اعتماد - راغب گوید: توکل دو جور است "توکلت لفلان " یعنی قبول وکالت از او کردم "توکلت علیه " یعنی به او اعتماد کردم - و امیدوار شدم. توکلت علی الله یعنی واگذار کردن کار بخدا و اطمینان بتدبیر اوست. توکل در معنای دیگر بعد از تلاش انسان است که بخواهد از خداوند در کارش کارسازی شود. توکل جهت واگذاری عاقبت کار به خداوند تعالی است) بعد از ایمان کامل ، چه انسان به حاجتش برسد و چه نرسد. آنچه که نیکوست انتظار برای دریافت رحمت الهی، و بدست آوردن حبّ الهی و دوستی خدا بجای استجابت دعا ، و خلاصه کسب معرفت بیشتر. نه آنکه زمانیکه دعا به استجابت نرسید از خدا دور و دورتر شوی.

در اینصورت است که او تو را کفایت می کند و آمرزش تو را قبول می کند. امیدواران اینگونه فطرت را در جهت کسب معرفت و پایداری در راه حق به سوی کمال سوق می دهند.

إِلَهِي مَنِ الَّذِي نَزَلَ بِكَ مُلْتَمِسًا قِرَائَةً،

خدا یا کیست که بر درگاه تو ملتمس مهمان نوازی تو باشد و تو مهمان نوازی نکنی

وَمَنِ الَّذِي أَنَا بِبَابِكَ مُرْتَجِيًّا نِدَاكَ فَمَا أَوْلَيْتَهُ، أَيْحَسُنَ أَنْ أَرْجِعَ عَنْ بَابِكَ بِالْخَيْبَةِ مَصْرُوفًا،

و کیست که مرکب نیاز خود به دربارت خواباند و امید بخشش تو را داشته باشد و تو احسانش نکنی آیا خوبست که من ناامید از درگاهت باز گردم

شرح فراز:

آرزو چیست؟

آرزو زیباست. آرزو حرکت و رشد است. اگر آرزو نبود هیچ مادری کودک خود را شیر نمی داد و کشاورزی درختی را نمی کاشت. اگر آرزو نبود عشق به فعالیت و کار وجود نداشت. اگر آرزو نبود سرگردانی انسان را به خودش وا می نهاد. آرزو هست که امکانات و استعدادها را رشد می دهد و در این مسیر تواناییها و ظرفیتهای شناخته می شود در غیر این صورت انسان سر از موهومات در می آورد. آرزو در حد اعتدال پسندیده است و مراقبت از آن لازم است زیرا گاهی آرزو انسان را سرگرم خود می کند و هدف شخص را از بین می برد و جهل در عمل جای آن را می گیرد و بالاتر از آن، کفر جای حق را می گیرد..... وَيُلْهُمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۳/حجر)

اگر دیدی با وجود رو آوردن به خدا و با مطرح کردن نیازهای خود؛ صاحبخانه جواب مهمانش را نداد، بدان که در آرزویت نقصی وجود دارد که از آن انتقاد یا نهی شده است مثل بدست آوردن ثروت قارون یا برتری بر دیگران..... قرآن بارها قیامت را در آرزو های دنیایی مجرمان توصیف کرده است، آنجا که مجرمان می گویند: "یا لیتنی... ایکاش....." پس باید در مناجات با خدا مصلحت الهی را طالب بود و هیچگاه در برابر در یافت نکردن حاجات، خداوند را تهدید یا تکذیب نکرد و در تقاضای خود همیشه با استفاده از توبه و یاد آوری صفات الهی و شکر نعمتهای الهی از یأس و ناامیدی حاصل از گناهان کبیره جلوگیری کرد.

وَلَسْتُ أَعْرِفُ سِوَاكَ مَوْلَىٰ بِالْإِحْسَانِ مَوْصُوفًا،

جز تو مولایی نشناسم را مولایی که به احسان نامور باشد

كَيْفَ أَرْجُو غَيْرَكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِكَ، وَكَيْفَ أُوْمِلُّ سِوَاكَ وَالْخَلْقُ وَالْأَمْرُ لَكَ،

چگونه به جز تو امید داشته باشم با اینکه هر چه خیر است بدست تو است

أُوْمِلُّ سِوَاكَ وَالْخَلْقُ وَالْأَمْرُ لَكَ،

و چگونه به جز تو آرزومند باشم با اینکه خلقت و فرمان از آن تو است

شرح این فراز:

برکات یاد خدا:

امام جواد (ع) می فرمایند: آنکه به غیر خداوند روی آورد خداوند به همان واگذارش می کند(بحارالانوار ج ۲۸ ص ۱۵۵)

یاد خداوند تعالی برکات بسیاری دارد:

الف: یاد نعمت های او ، عامل شکر اوست.

ب: یاد قدرت او ، سبب توکل بر اوست.

ج: یاد الطاف او ، مایه محبت اوست.

چ: یاد قهر و خشم او ، عامل خوف از اوست.

ح: یاد عظمت و بزرگی او ، سبب خشیت در مقابل اوست.

د: یاد علم او به پنهان و آشکار ، مایه حیا و پاکدامنی ماست.

ذ: یاد عفو و گرم او ، مایه امید و توبه است.

ر: یاد عدل او ، عامل تقوی و پرهیزکاری و امیدواری به فضل اوست.

ز: یاد امانت‌های الهی، یاد آور حق و حقوق انسانها به یکدیگر است و عامل در اجرای اوامر و نواهی الهی است.

أَنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ (آل عمران/۱۹۰) آنچه در آفرینش آسمان و زمین است و آنچه در اختلاف شب و روز (خلق و امر) است فقط صاحبان خرد می فهمند.

أَفْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ وَقَدْ أَوْلَيْتَنِي مَا لَمْ أَسْأَلْهُ مِنْ فَضْلِكَ، أَمْ تُفْقِرُنِي إِلَى مِثْلِي

آیا برآستی امیدم را از تو قطع کنم با اینکه تو از فضل خویش به من عطا کردی چیزی را که من درخواست نکرده بودم یا مرا بمانند خودم نیازمند سازی

شرح این فراز:

ناامیدی؟

... لا يائس من روح الله الا القوم الكافرون (يوسف/ ۸۷)

از رحمت خداوند جزء کافران نومید نمی شوند.

در ناامیدی بسی امید است . هرگز نباید از رحمت خداوند مأیوس شد. در رحمت الهی فضل بیکران است. رحمت برگرفته از رحمانیت و رحمت خداوندی است که بر عامه مردم مثل برگ ریزان است. الهی لا تکلنی الی نفسی طرفه عین ابدأ- خدایا به یک چشم بهم زدن مرا به خود واگذار مکن

که اگر مرا به خود واگذار کنی :

۱- مفهوم بینائی را درک نکرده ۲- از یاد خدا غافل مانده ۳- عزت دنیا و آخرت را از دست داده ۴- دچار ریاکاری و بی توجهی در اوامر الهی شده ۵- هدفم، رهایی از دین و جذب دنیا دوستی و دنیاپرستی ۶- شیوه تفکرم بدعت گذاری و تشکیل فرقه های گوناگون و کاذب ۷- فراموشی نعمتهای الهی و کفران نعمت و زمینه ساز کفر و نفاق و فساد خواهم بود.

عوامل ناامیدی:

الف: گناه و اصرار بر آن:

کسی که زیاد گناه می کند و یا زیاد توبه می شکند در صورتی که ایمانی راسخ به رحمت و لطف پروردگار نداشته باشد در معرض یأس از رحمت خدا قرار می گیرد.

ب: استعجال

کسی که دعا می کند و از درگاه خداوند درخواستی دارد چون خواسته اش برآورده نمی شود و دعایش مستجاب نمی گردد، ممکن است گمان کند که نظر رحمت خداوند از او برگشته است و ناامید گردد. امام صادق(علیه السلام) می فرمایند:

لا يزال المؤمن بخير و رضاء و رحمة من الله، ما لم يستعجل فيقنط، فيترك الدعاء قلا له: كيف يستعجل؟ قال: يقول: قد دعوت منذ كذا و كذا و لا اري الاجابت .

(الحياة، ج ۱، ص ۴۰۳- ۱)

مؤمن پیوسته در نیکی و راحتی و مهربانی خداست تا زمانی که استعجال نکند پس چون استعجال کند نومید می شود و دعا را ترک می کند. راوی می گوید: از ایشان پرسیدم: چگونه استعجال می کند؟ فرمودند: با خود می گوید مدتی طولانی دعا کردم و اجابت نشد.

آثار ناامیدی:

۱- ترک توبه و استغفار

کسی که از رستگاری ناامید است در فکر جبران گذشته بر نمی آید زیرا جبران آن را ناممکن می‌داند.

۲- فرو رفتن در گناه

کسی که از رحمت خدا نومید باشد و امید رستگاری نداشته باشد با خود می گوید من که آخرت بدی دارم؛ پس لااقل نباید لذات دنیا را از خود دریغ کنم. با این اندیشه نادرست ارتکاب گناه برای او آسان می شود و در دریای عصیان غرق می گردد و از هیچ گناهی ابا ندارد، چون می گوید: آب از سر من گذشت چه یک قامت چه صد قامت.

۳- کفر یا تباهی دنیا

کسی که به دلیل اطمینان از آخرت بد خود، به گناهان لذت آور روی می آورد بسا که از لذات دنیایی هم بهره ای نداشته باشد؛ زیرا اگر همچنان به قیامت و محاسبه آخرت معتقد باشد تصور آخرت دهشتناکش شیرینی هر لذتی را بر او تلخ می کند و یا در اثر زشت کاری به کفر و انکار خدا و قیامت مبتلا می شود.

۴- تباهی آخرت:

طبیعی است که آثار سه گانه گذشته به آخرتی پر از عذاب و رنج منتهی می شود. انسان مأیوس از رحمت خدا، افزون بر کیفری که برای گناهانش می کشد، کیفری هم برای یأس خود تحمل خواهد کرد؛ زیرا یأس و قنوط از رحمت خدا گناهی کبیره محسوب می شود.

درمان ناامیدی

انسانی که در رسیدن به اهداف دنیوی مأیوس است از کار و تلاش باز می ماند و زندگی او دچار رکود و افسردگی می شود. نتیجه این رکود و افسردگی، رنج هایی است که خود فرد مأیوس تحمل می کند و سختی هایی که به دیگران تحمیل می نماید. درمان این درد، گاه از طریق اصلاح نگرش فرد به زندگی صورت می گیرد و گاه به وسیله دارو انجام می پذیرد. بدون شك اعتقاد فرد به خداوند از بروز یأس در امور دنیوی پیش گیری می کند. ولی آن چه بسیار مهم است یأس فرد در پی گیری اهداف اخروی و اصلاح رابطه خود و خداست. چنین یأسی از يك سو بالاترین ضرر را که هلاکت اخروی است در پی دارد و از سوی دیگر نشانه های آن به زودی آشکار نمی شود. در نتیجه ممکن است فرد بسیار دیر به فکر درمان آن بیفتد. بنابراین اندیشیدن به رحمت و مغفرت خداوند و بر طرف شدن نقص و ضعف عمل همه آدمیان در پیشگیری و درمان این بیماری بسیار مؤثر است.



روش دیگر درمان که در همان روش نخست ریشه دارد، یادآوری سخنانی است که در قرآن کریم و روایات اهل بیت وارد شده است و از یأس و نومیدی نهی نموده است. خداوند در قرآن کریم فرموده است:

قل يعبادى الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم(زمر/۵۳)

بگو ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خدا نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

در آیه دیگری آمده است که نومیدی از رحمت خداوند ویژه گمراهان است. و من يقنط من رحمة ربه الا الضالون(حجر ۵۶)

چه کسی جز گمراهان از رحمت پروردگارش نومید می شود؟

نومیدی خطرناک ترین راه نفوذ شیطان در دل آدمی است لذا در حدیثی از امام صادق(علیه السلام) لقمان به فرزندش چنین می گوید:

" **خَفِ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - خَيْفَةً لَوْ جِنَّتَهُ بِبِرِّ النَّقْلَيْنِ لَعَدَّبَكَ، وَ ارْجُ اللَّهَ رَجَاءً لَوْ جِنَّتَهُ بِذُنُوبِ النَّقْلَيْنِ لَرَحِمَكَ** از خداوند آنگونه بترس که اگر تمام عبادات نیک جن و انس را انجام داده باشی امکان دارد به سبب لغزشی تو را مجازات کند و آنقدر به رحمت خدا امیدوار باش که اگر تمام گناه جن و انس را انجام داده باشی امکان دارد تو را رحمت کند. (الكافی ج ۳ ص ۱۷۳-۴)

در روایتی از امام علی نقل شده است که ایشان خطاب به کسی که به سبب زیادی گناهان نومید شده بود فرمود: یا هذا! یأسک من رحمة الله اعظم من ذنوبک؛ بدان که نومیدی تو از رحمت خداوند بزرگ تر از گناهان توست. (محجة البیضاء ج ۷/ص ۲۵۳/۵)

در روایتی نقل شده است که پیامبر فرمودند:

قسم به آن که معبودی جز او نیست به هیچ مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده نشد مگر به سبب حسن ظن و امید او به خداوند و خوش خلق بودنش و خودداری از غیبت مؤمنان. قسم به آن که جز او معبودی نیست هیچ مؤمنی پس از توبه و استغفار عذاب نشد، مگر به سبب سوءظن او به خداوند و کوتاهی در امید

بستن به خدا و بدخلقى و غیبت مؤمنان. قسم به آن که جز او معبودی نیست، گمان هیچ بنده مؤمنی به خداوند نیکو نشود مگر آن که خداوند همراه گمان بنده مؤمن خود باشد همان طور با او رفتار کند که گمان او بوده است زیرا خداوند کریم است و نیکی ها به دست اوست و حیا می کند از این که بنده مؤمنش به او گمان نیک برد و او خلاف گمان او و امید بنده با او رفتار کند. سپس فرمود: فاحسنوا بالله الظن و ارغبوا الیه؛ (الکافی ج ۲/ص ۷۲-۶)

پس به خدا خوش گمان باشید و به سوی او راغب شوید!

کلام آخر: همین که بدانیم نومیدی نشانه کفر و گمراهی است از ناامیدی پرهیز خواهیم کرد. هر چه سوءظن به خدا مذموم است، حسن ظن به خداوند ستوده و سازنده است. حسن ظن به خداوند محبت انسان به خداوند را متسحکم می کند و انسان را به عمل برای رضای خدا مشتاق می سازد.

وَأَنَا عَتَصِمُ بِحَبْلِكَ، يَا مَنْ سَعَدَ بِرَحْمَتِهِ الْقَاصِدُونَ، وَلَمْ يَشَقَّ بِنِعْمَتِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ،

ومن چنگ زدم به ریسمان تو ، ای که به رحمتش سعادت مند گردند قاصدان او و دچار بدبختی و عذاب و کیفرش نشوند آمرزش خواهانش

شرح این فراز:

یکی از دلایل فطری بودن توحید، این است که انسان در حال در ماندگی و ناامیدی از همه جا و همه وسایل مادی متوجه یک نقطه غیبی می شود که او را نجات دهد و آن ریسمان الهی است ریسمان توحید و نبوت و امامت؛ که با از دست دادن یکی از آن ، ایمان خدشه دار گردد و انسان از مرحله ایمانی به سوی کفر تنزل خواهد کرد. ألم تر الی الذین بدلوا نعمت الله کفراً وأحلوا قومهم دار البوار (۲۸/ابراهیم) آیا به کسانی که نعمت خداوند (نعمت و لایق) را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت در آوردند نگرستی؟

دستیابی به حبل الله

ایمان، تقوا و تسلیم، زمینه های دستیابی جمعی به حبل الله است.

یایها الذین ءامنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن الا وانتم مسلمون • واعتصموا بحبل الله جميعا... «ای کسانی که ایمان آورده اید! آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا پرهیزید! و از دنیا نروید، مگر اینکه مسلمان باشید! (باید گوهر ایمان را تا پایان عمر، حفظ کنید!) • و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت)، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت) بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می سازد شاید پذیرای هدایت شوید «آل عمران ۱۰۲»

بیان اهمیت و لزوم اعتصام به حبل الله، زمینه هدایت مؤمنان است. واعتصموا بحبل الله جميعا... كذلك يبين الله لكم ءاياته لعلكم تهتدون. «و همگی به ريسمان خدا (قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت)، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد شاید پذیرای هدایت شوید(آل عمران/ ۱۰۳)

اعتصام و رهایی از جنگ:

رهایی از جنگ و خونریزی، از آثار اعتصام به حبل الله است. واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا واذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخونا وکنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها... «و همگی به ريسمان خدا (قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت)، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد شاید پذیرای هدایت شوید.» (مقصود از «نار»، آتش جنگ و خونریزی است.(المیزان/ ج ۳/ص ۳۷۱)-(آل عمران/ ۱۰۳)

رهایی از ذلت

اعتصام به حبل الله، عامل رهایی از ذلت و خواری است. ضربت علیهم الذلة این ماتفقوا الا بحبل من الله... «هر جا یافت شوند، مهر ذلت بر آنان خورده است مگر با ارتباط به خدا، (و تجدید نظر در روش ناپسند خود،(آل عمران/ ۱۱۲)

وحدت

تمسک به حبل الله، راهی برای وحدت صفوف اهل ایمان است. واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا... فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخونا... «و همگی به ريسمان خدا (قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت)، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد شاید پذیرای هدایت شوید(آل عمران/ ۱۰۳)

بهشت:

اعتصام به حبل الله، از اسباب بهره مندی از بهشت و خلود در آن است. واعتصموا بحبل الله... • یوم تبيض وجوه... • واما الذین ابیضت وجوههم ففی رحمة الله هم فیها خلدون. «و همگی به ريسمان خدا (قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت)، چنگ زنید، و پراکنده نشوید... • (آن عذاب عظیم) روزی خواهد بود که چهره‌هایی سفید، و چهره‌هایی سیاه می‌گردد، اما آنها

که صورتهایشان سیاه شده، (به آنها گفته می شود:) آیا بعد از ایمان، و (اخوت و برادری در سایه آن،) کافر شدید؟! پس بچشید عذاب را، به سبب آنچه کفر می ورزیدید! • و اما آنها که چهره هایشان سفید شده، در رحمت خداوند خواهند بود و جاودانه در آن می مانند. « (برخی گفته اند: مقصود از «رحمة الله»، بهشت است) مجمع البیان آل عمران ۱۰۳/۱۰۶/۱۰۷ (۱)

روسفیدی در قیامت، از آثار اعتصام به حبل الله است.

واعتصموا بحبل الله... • ولا تكونوا كالذين تفرقوا... • يوم تبيض وجوه... «و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت)، چنگ زنید، و پراکنده نشوید... • • و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند (آن هم) پس از آنکه نشانه های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آنها عذاب عظیمی دارند. • (آن عذاب عظیم) روزی خواهد بود که چهره هایی سفید، و چهره هایی سیاه می گردد، اما آنها که صورت هایشان سیاه شده، (به آنها گفته می شود:) آیا بعد از ایمان، و (اخوت و برادری در سایه آن،) کافر شدید؟! پس بچشید عذاب را، به سبب آنچه کفر می ورزیدید. (آل عمران ۱۰۳/۱۰۵/۱۰۶) (از آیت الله مصباح یزدی)

انسانهای سعادت مند در جامعه ایمانی باید به ریسمان الهی چنگ بزنند و به رحمت الهی امید داشته باشند و از گناهان کبیره و آنچه باعث جدایی ملت های مسلمان و پراکندگی آنان می شود دور شوند و با استغفرالله خود را از نعمتها و از عصیان و تجاوز به حقوق ملت های مظلوم دور سازند.

كَيْفَ أَنْسِيكَ وَلَمْ تَزَلْ ذَاكِرِي، وَكَيْفَ أَلْهُو عَنْكَ وَأَنْتَ مُرَاقِبِي،

چگونه فراموشت کنم با اینکه تو همیشه به یاد منی و چگونه از یاد تو بیرون روم با اینکه تو همیشه مراقب من هستی

شرح این فراز:

امام رضا (ع) فرمودند: کیفر کسی که خدا و قیامت را فراموش کند آن است که خود را فراموش کند. (تفسیر نورالثقلین)

حضرت علی (ع) فرمودند: فراموش کردن خداوند آن است که آنان را از خیر محروم کند.

آثار اعراض از یاد خدا:

الف: بازماندن از راه خیر

ب: انحراف فکری بگونه ای که فکر می کند هدایت یافته است.

پ: موعظه در او اثر ندارد ، توبه نمی کند ، زندگی نکبت بار دارد.

مصادیق یاد خدا:

خدا فراموشی ، خود فراموشی می آورد. هر وقت دچار حدیث نفس (وسوسه و اندوه) شدی بدان که همانطور که فطرت تو با خداست ؛ پس خدا همیشه در یاد توست. اعتماد به نفس داشته باش. برای خدا و دوری از فراموشی از حرام دوری کن و حلال الهی را بشناس. مراقب باش دل بجائی نبندی و به کسی غیر از خدا روی نیاوری و یا به خداوند شکایت نکنی که پیام حضرت در این لحظه برای شیعیان این است : زیاد بگو " لا حول و لا قوة الا بالله " چرا؟

چون تو در چهار چوب چهار واقعیت هستی ، شیعه دوازده امامی هستی، به آنچه که در دست مردم می بینی دل نمی بندی ، و مطیع فرمان الهی هستی و بر طبق آن امنیت را برای خانواده و اجتماع بر اساس اعتقادات پاک خود بر قرار می کنی.

هر صبحگاه تا طلوع آفتاب دو فرشته ندا می کنند: ای طالب خیر،...پیش بیاوای طالب شرّ، پس برو پس کسی که خدا در یاد اوست و می داند خداوند مراقب اوست به دنبال شرّ نمی گردد زیرا شرّحالتی است که خداوند را از یاد انسان می برد و خود کامگی را براساس شیوه ناعادلانه و جاهلانه عرضه می دارد مانند گروه تروریستی داعش که خودکامگی را در غالب وحشیگری به نمایش در می آورد و هیچ باکی ندارد. اشاعه فحشا و دعوت به منکرات و نهی از خوبیها و ترک انفاق و ایثارگری و مخالفت با ارزشهای دینی نشانه خدا فراموشی است. در قرآن کریم بارها آمده که؛ در قیامت هرکس میزانش سنگین باشد او بزرگوار است و هرکس میزانش سبک باشد ، پست و حقیر است!

الهی بَدَيْلِ كَرَمِكَ اَعْلَفْتُ يَدِي، وَلِنَيْلِ عَطَايَاكَ بَسَطْتُ اَمْلِي، فَاخْلِصْنِي بِخَالِصِهِ تَوْحِيدِكَ وَاخْغَلْنِي مِنْ صَفْوَةِ عِبِيدِكَ،

خدایا من به ذیل کرمت دست انداختم و برای دریافت عطاهایت دامن آرزویم را گسترده‌ام پس مرا بوسیله یگانگی خالص خود خالص گردان و از زمره بندگان برگزیده‌ات قرار ده

شرح این فراز:

فوائد یاد خدا:

خداوند چند چیز را در گرو چند چیز بر خود لازم کرده است:

۱- خداوند می فرماید (فاذکرونی اذکرکم)بقره/۱۰۲) مرا یاد کن در (عبادت – شناخت حلال و حرام...) تا تو را یاد کنم.

۲- مردم را یاری کن تا خداوند نیز تو را یاری فرماید " ان تنصروالله ينصركم"

۳- اگر از نعمتهای خداوند درست استفاده نمایی شکر او را بجا آورده ای پس خداوند بر برکاتش بر تو می افزاید" ان شکرتم لأزیدنکم (ابراهیم ۷/)

۴- وفای به عهدش را در گرو وفاداری مردم به عهدش می داند.(اوفوا بعهدی اوف بعهکم بقره/۴۰)

با مراعات این نکات انسان در پرتو لطف و کرم الهی قرار می گیرد پس مخلصانه خدا را به یگانگی یاد کرده و در ردیف عبد مخلص قرار داده می شود، چون انسان مخلص یک هدف دارد و آن رضای خداست و کسی که هدفش تنها رضای خدا باشد از ملامتها نمی هراسد و از تنهایی هراسی ندارد و در راهش عقب نشینی نمی کند . بخاطر بی اعتنایی مردم عقده ای نمی شود . یأس در او راه ندارد و در پیمودن راه حق کاری به اکثریت و اقلیت ندارد و خالصانه به تکلیف خود عمل می کند و دل به خدا می سپارد و نظری به تشویق این و آن ندارد.(فرهنگ باطل غرب با تهاجم فرهنگی بر کشورهای اسلامی بخصوص ایران عزیز مشگلاتی را در حیا و عفت و غیرت بوجود آورده و خانواده های مسلمان شیعه را دچار نگرانی کرده است . بی حجابی و بد حجابی نوعی ضربه زدن به دین است گروهی با یک برنامه ریزی از طرف دشمنان نظام اجیر شده و پولی برای اشاعه بد حجابی دریافت کرده است و جامعه را به فساد می کشاند و عقل زنان را تبدیل به جهل کرده و مانند گله بدنبال خود می کشاند . بیماریها و احساسات در زنان زیاد است پس قبل از اینکه زنان ؛ خود را بشناسند بدامن جمعی از شیاطین و باطل گرایان و فرقه های مختلف می افتند و جذب آنان گشته و از اصل دین دور شده و فکر می کنند که آزاد هستند"مثلا هم جنس گرایی و آزادی امروزه به معنای روشن فکری شناخته می شود این کار شوم و موجب نابودی دنیای فعلی می شود". در صورتیکه اینان با جلوه گریها نمایشگر صحنه های زشت و فحشا شده اند.

یا مَنْ كَلَّ هَارِبِ الْيَهِّ

ای که هر گریخته ای به او

يَلْتَجِيْ، وَكُلُّ طَالِبِ اِيَّاهُ يَرْتَجِيْ، يَا خَيْرَ مَرْجُوٍّ، وَيَا اَكْرَمَ مَدْعُوٍّ، وَيَا

پناه برد و هر جوینده ای به او امید دارد ای بهترین مایه امید و ای بزرگوارترین خواننده شده و ای

مَنْ لَا يَرُدُّ سَائِلَهُ، وَلَا يُخَيِّبُ اِمْلَهُ، يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِيهِ، وَحِجَابُهُ مَرْفُوْعٌ لِرَاجِيهِ

کسی که خواهنده‌اش را دست خالی باز نگرداند و آرزومندش را نومید نسازد ای که درگاه او به روی خوانندگانش باز و پرده‌اش برای امیدوار به اوبالا زده است

شرح این فراز:

امام علی (ع) می فرماید: کرم خداوند سبحان حکمت او را نقص نمی کند، از این روست که همه دعا ها مستجاب نمی شود. خداوند تعالی هیچ سائلی را از درگاه خود بدون برآوردن حاجت و بدون امید به رسیدن حاجت رها نمی کند. درهای استجابت او همیشه برای همه باز است و می فرماید: آنگونه دعا کن که حاجتت پشت در است. ولی بدانید که بین خدا و بنده حُجُبَهایی قرار دارد که امیدواری بنده و عشق او به خداوند یک یک حُجُبَها را دور می سازد. پس بنده برای استجابت دعا باید حُجُبَها را بشناسد:

۱- انواع گناه، صغیره و کبیره، که با گفتن استغفار و طلب توبه از پیشگاه الهی؛ بگونه ای که تا ابد بسوی گناه تمایل نداشته باشی (توبه نصوح-توبه نجات بخش)

۲- تقویت خدانشناسی، توحید، نبوت، امامت، و درک حق الیقین، و شکر نعمتهای خداوند و شناخت صفات جلال و کمال الهی، و خلاصه عبودیت خداوند تعالی و رضایت او.

۳- هر نوع توجه استقلالی به عوامل رشد و تکامل معنوی ججب نورانی نامیده می شود. ائمه (ع) آیاتی هستند که مسیر حق را به انسان نشان می دهند "کلما اضاء لهم مشوا فیه و اذا اظلم علیهم قاموا"، اما به هر حال تجلی و ظهور نور مطلق الاهی به دلیل شدت و قوت بدون گذر از حجاب ها امکان ندارد، و علاوه موجودات نیز به دلیل ضعف و ناتوانی بدون واسطه یا واسطه ها توان درک نور مطلق را ندارند، و از این روست که باید از کانال وجودی اسماء و صفات، پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) او را نظاره کرد و از همین جهت است که می توان بر آنها حجاب را اطلاق کرد.

از هر کجا گریز پا باشی باید بدانی که پناهت خداوند است و اگر در حالت اضطرار چیزی خواستی و به تو داده نشد این حکمت و مصلحت الهی است و شاید بهتر از آن در وقت وزمانی دیگر به تو بدهد.

أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ أَنْ تَمَنَّ عَلَيَّ مِنْ عَطَائِكَ بِمَا تَقْرُّ بِهِ عَيْنِي، وَمِنْ

از تو خواهم به بزرگواریت که بر من بخشی از عطای خویش به حدی که دیده‌ام بدان روشن گردد و از

رَجَائِكَ بِمَا تَطْمَئِنُّ بِهِ نَفْسِي، وَمِنْ الْيَقِينِ بِمَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيَّ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا،

امیدت بدان مقدار که خاطر ماطمینان یابد و از یقین بدان اندازه که پیش‌آمدهای ناگوار دنیا بر من آسان گردد

وَتَجَلُّوْهُ عَنِ بَصِيْرَتِي عَشَوَاتِ الْعَمِي، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

و بوسیله آن پرده‌های سیاه کوردلی از دیده دل دور شود به رحمت ای مهربانترین مهربانان

شرح این فراز:

ای کسی که از خداوند در خواست داری و می‌گویی بر من با عطاییت منت بگذار و قلبم را مطمئن کن و با عمل به صبر مصیبات را بر من آسان کن و کوری دلم را به روشنی و بصیرت تبدیل کن!

براستی ای انسان بدان که خداوند دعایت را به اجابت می‌رساند، ولی قبل از آن مراقب باش که در دلت خیانت نباشد؛

نخست اینکه شما خدا را شناختید ولی حق واجب او را ادا نکردید.

دوم اینکه کتاب خدا را قبول کردید و خواندید ولی بدان عمل نکردید و در عمل مخالفت کردید.

سوم اینکه از آتش می‌ترسید ولی هر زمان پیکرهای خود را با انواع گناهان بسوی آتش می‌برید و خیال می‌کنید مدتی در آتش هستید و بعد رها می‌شوید، چگونه کلمه مخلص را در قرآن فراموش کرده‌ای!

چهارم: خواهان بهشت هستید در حالیکه هر زمان کاری می‌کنید که شما را از آن دور می‌گردانند.

پنجم: در برابر استفاده از نعمتهای الهی شاکر نبوده و دائماً ناشکری کرده و مصلحت الهی را ندیده و نیاز خود را مهم جلوه داده‌اید و بدنبال آن حرکت کرده‌اید در نتیجه شکستها شما را در گیر مسائل دنیایی کرده و از خدا دور داشته است.

ششم: دانستید شیطان دشمن شماست ولی در عمل بی‌هیچ مخالفتی با او دوستی نمودید. (خیانت به دین بوسیله شیوه‌های مختلف گمراهی توسط شیطان؛ فرقه شیطان پرستی و فرقه لائیک و سکولار و فرقه عرفانهای کاذب همه و همه بی‌دینی را در جامعه گسترش می‌دهند. زیرا جهان غرب از اسلام ناب محمدی می‌ترسد و برای اینکه منافع اش از دست نرود مردم را به دنیای حیوانیت دعوت می‌کند و از هیجان‌ات آنها سوء استفاده می‌نماید. این مصیبات دنیا ست. معالجه این همه تضاد گویی و شبهات مختلف خداشناسی و عمل به دعا بصورت

دست جمعی است. ولی جوانانی که از دین و تاریخ آن اطلاعی ندارند طعمه خوبی برای آنان اند پس روزبروز آرماها بر روی لباسها و وسایل تزئینی و آرایشها به کمک ماهواره و اینترنت و فضای مجازی عرضه می گردد و طالبان بی اطلاع جذب آن می شوند و از مسیر حق شناسی و حق گویی دور شده و در غشوات دنیایی فرو می روند.)

هفتم: عیوب مردمان را دیده و عیوب خود را پشت سر می اندازد و کسانی را سرزنش می کند که خودش به سرزنش شدن سزاوارتر است .

انسان در چنین حالتی در های استجابت به رویش بسته است . بلی؛ خداوند تعالی ارحم الراحمین است و فقط امیدواری به این مسئله کافی نیست بلکه ترس از خداوند نیز کردار آدمی را درست و سعی و تلاش در راه توحید را به انسان می آموزد. پس حرکت تبلیغی آغاز شده و براساس آن خود و خانواده و جامعه را از معضلات دور ساخته و آموزش وقار و سکینه را مقدمه فعل اخلاقی خود قرار می دهد تا نقش ارحم الراحمین برای همه شناخته و درک شود؛ با یک شرط اینکه انسان همیشه خود را در محضر الهی ببیند.

امام علی (ع) می فرماید: چهار چیز است که به سود آدمی است نه به زیان او ، ایمان ، شکر گذاری، استغفار، دعا "قل ما یعبوا بکم ربی لو لا دعاؤکم " بگو اگر دعای شما نباشد پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی کند"(امالی طوسی ص ۹۳ ح ۱۰۸۱)

